

## ارائه مرجعی برای کارکردهای ارتباطی زبان فارسی

آنوشا شهسواری<sup>۱</sup>، حمید زاهدی<sup>۲</sup>

### چکیده

تهیه‌ی مواد آموزشی به روز برای فراگیری زبان فارسی یکی از عمده‌ترین مسائل مربوط به آموزش زبان فارسی به دیگرزبانان است. در این زمینه استفاده از کارکردهای اجتماعی زبان در شرایط و موقعیت‌های متفاوت امری لازم است. هدف اصلی این پژوهش ارائه مرجعی برای به‌کارگیری کارکردها در تدوین مواد آموزشی برای فراگیران زبان فارسی است. دویست دانشجوی فارسی زبان در رشته‌های کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی و کارشناسی ادبیات فارسی آزمودنی‌های این تحقیق را تشکیل می‌دهند. نخست عناوین حوزه‌های اجتماعی، عناوین کارکردها و شکل‌های مربوط به هر یک از این کارکردها از تجربه موجود در زبان انگلیسی استخراج، ترجمه و یا معادل‌یابی شد که به‌عنوان داده‌های پایه این پژوهش از آن استفاده گردید. پس از پالایش این شکل‌ها، شکل‌های بسیار دیگری به وسیله پژوهشگر به این فهرست‌ها افزوده شد که با پالایش گام به گام به شکل فهرستی از حوزه‌های اجتماعی درآمده، کارکردها و شکل

---

۱. مربی دانشگاه نگراس در آستین (بخش مطالعات خاورمیانه) [anousha@austin.utexas.edu](mailto:anousha@austin.utexas.edu)

۲. استادیار گروه زبان‌های خارجی دانشگاه شهید باهنر کرمان [zahedihamid@Hotmail.com](mailto:zahedihamid@Hotmail.com)

آنها نهایی گردید. در نهایت برای دسته‌بندی کارکردها الگویی بر اساس الگوهای هلیدی (۱۹۷۳)، وان‌اک (۱۹۷۶)، و باکمن و پالم (۱۹۹۶) در دسته‌بندی کارکردهای زبان تهیه شد تا بتواند نیاز ما را در مقوله‌بندی کارکردهای اجتماعی برآورده سازد.

**واژه‌های کلیدی:** ۱- کارکردهای اجتماعی ۲- نقش‌های ارتباطی

زبان ۳- رویکرد ارتباطی ۴- مواد آموزشی

## ۱- مقدمه

در اوائل دهه‌ی ۱۹۷۰ با پیدایش رویکرد ارتباطی<sup>۱</sup> و تأکید بیشتر بر جنبه‌های موقعیتی و کاربردی زبان، کارکردهای اجتماعی زبان یا نقش‌های ارتباطی زبان<sup>۲</sup> به عنوان عنصری تعیین کننده در برنامه‌های درسی وارد شدند. وان‌اک (۱۹۷۶) می‌گوید که آنچه مردم به وسیله زبان انجام می‌دهند، اجرای شفاهی کارکردهایی مشخص است. مردم به وسیله زبان تصدیق می‌کنند، می‌پرسند، دستور می‌دهند، اعتراض می‌کنند، ترغیب می‌کنند، عذرخواهی می‌کنند و غیره. در مقابل، شکل‌های زبان<sup>۳</sup>، همان‌طور که براون (۲۰۰۰) می‌گوید، تجلی بیرونی کارکردها هستند، در حالی که کارکردها تحقق آن شکل‌ها می‌باشند. مثلاً وقتی می‌خواهیم از کارکرد زبانی "معطوف کردن توجه دیگران" استفاده کنیم از شکل‌هایی چون: «ببخشید خانم/آقا!»، «معذرت می‌خواهم خانم/آقا!» یا شکل‌های دیگری استفاده می‌کنیم.

علیرغم این واقعیت، در آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان (آزفا) کماکان بر یادگیری دستور و واژگان تأکید می‌شود. حتی در زمانی که هدف از یادگیری زبان فارسی برقراری ارتباط با فارسی زبانان است و البته این مورد نیز بسیار زیاد است. بیشتر این افراد کسانی هستند که فارسی زبانان مورد استفاده در خانه و خانواده‌شان است اما مشاهده می‌شود که در به کارگیری شکل‌های مختلف یک کارکرد ناتوانند و حتی از عهده استفاده از برخی کارکردها بر نمی‌آیند. بدیهی است

1. Communicative Language Teaching
2. Language functions
3. Language forms

نسل بعد از ایشان نیز، تازه اگر فارسی بدانند، طبیعتاً با شدت بیشتری وارث این ضعف خواهند بود. به دلایل فوق، بر آن شدیم که با هدف ارائه فهرستی جامع از کارکردها و شکل‌های مربوط به آنها در تعداد زیادی از حوزه‌های اجتماعی زبان فارسی با تأکید بر جنبه‌های کاربردی زبان در زندگی روزمره اولین گام را در جهت ایجاد تحول در کتاب‌های آزفا برداریم. به کارگیری نتایج این تحقیق، که هدف نهایی یاری رساندن به تدوین‌کنندگان مواد آموزشی زبان فارسی است، گامی در جهت گسترش روزافزون آموزش زبان فارسی با مطالب مناسب‌تر جهت آموزش فارسی روزمره خواهد بود. این نتایج می‌تواند حتی به طور مستقیم به عنوان مرجع در اختیار زبان آموزان قرار گیرد.

## ۲- پیشنهادی تحقیق

### ۱-۲- پیشنهادی استخراج و دسته‌بندی کارکردهای زبان

لایتز (۱۹۷۷) زبان را دارای سه کارکرد عمده می‌داند: توصیفی<sup>۱</sup>، تبیینی<sup>۲</sup>، و اجتماعی<sup>۳</sup>. نقش کارکرد توصیفی زبان رساندن اطلاعات واقعی است. کارکرد تبیینی زبان در خدمت انتقال اطلاعاتی در مورد گوینده، احساسات، علاقه‌مندی‌ها، و تجربیات گذشته او است. نقش اجتماعی زبان وظیفه برقراری و حفظ روابط اجتماعی را بر عهده دارد. هلیدی (۱۹۷۳) کارکردهای متنوع اولیه زبان را شامل هفت کارکرد می‌داند:

۱- کارکرد ابزاری<sup>۴</sup>: از یک قانون ساده قصد، عمل و هدف برای برآوردن نیازها و خواسته‌ها پیروی می‌کند.

۲- کارکرد تنظیم‌کننده<sup>۵</sup>: در این کارکرد که روندی دانسته‌تر دارد با استفاده از زبان به کنترل رفتار دیگران مبادرت می‌کنیم.

- 
1. Descriptive
  2. Expressive
  3. Social
  4. Instrumental
  5. Regulatory

۳- کارکرد اکتشافی<sup>۱</sup>: در این کارکرد، از زبان برای یادگیری، به‌خاطر سپردن و جذب کردن دانش و همچنین کشف محیط اطراف خود استفاده می‌کنیم.

۴- کارکرد تعاملی<sup>۲</sup>: برای ساختن روابط اجتماعی بین افراد و تبادل اطلاعات با دیگران از این کارکرد زبان بهره می‌جوییم.

۵- کارکرد شخصی<sup>۳</sup>: برای کاوش ژرفترین افکار و احساسات شخص به‌کار می‌رود. و در مقایسه با کارکرد تعاملی زبان، این کارکرد بیشتر خودکاوی و بیان ایده‌ها، افکار، احساسات و ترس‌هاست.

۶- کارکرد تجسم یا خیال‌پردازی<sup>۴</sup>: استفاده از زبان برای خلق خیال است.

۷- کارکرد اطلاعاتی<sup>۵</sup>: برای اطلاع‌رسانی و سازماندهی وقایع و اطلاعات از این کارکرد زبان استفاده می‌کنیم.

همچنین هلیدی (۱۹۷۸، ۱۹۹۴) در دستور کارکردی یا نقش‌گرایی خود سه نقش اندیشگانی<sup>۶</sup>، بینافردی<sup>۷</sup> و متنی<sup>۸</sup> را آن سه کارکرد عمده زبانی می‌داند که بزرگسالان از آن بهره می‌برند. او معتقد است دستور تمام زبان‌ها با توجه به این سه نوع معنا سازماندهی می‌شود. معنای اندیشگانی مربوط به منابع دستوری گوینده برای ساختن تئوری‌های تجربی اوست؛ معنای بینافردی مربوط به منابع گوینده برای تعامل در محاوره‌هاست؛ معنای متنی سازمان دادن آنچه را گوینده باید بگوید بر عهده دارد که با توجه به آنچه گوینده قبلاً گفته و آنچه قرار است بعداً بگوید و مربوط کردن آنچه گفته است با بافتی که در آن حرف می‌زند صورت می‌گیرد.

دانش کارکردی در مدل باکمن و پالم (۱۹۹۶)، تقریباً همان کارکردهایی است که هلیدی در مدل خود در سال ۱۹۷۳ ارائه داده بود. که چهار مؤلفه زیر را در بر می‌گیرد:

1. Heuristic
2. Interactional
3. Personal
4. Imaginative
5. Informative
6. Ideational
7. Interpersonal
8. Textual

۱- دانش کارکردهای اندیشگانی<sup>۱</sup>

۲- دانش کارکردهای اداره‌ای<sup>۲</sup>

۳- دانش کارکردهای اکتشافی<sup>۳</sup>

۴- دانش کارکردهای تجسم یا خیال‌پردازی<sup>۴</sup>

دانش کارکردهای اندیشگانی، بر اساس تعریف باکمن و پالمر، دانشی است که ما را قادر می‌سازد به بیان و تعبیر معنا در مورد تجربیات خود از دنیای واقعی بپردازیم. این کارکردها، استفاده از زبان برای بیان یا مبادله اطلاعات در مورد عقاید، دانش، یا احساسات را شامل می‌شوند. توصیف، دسته‌بندی، تشریح، و بیان غم و اندوه مثال‌هایی هستند که کارکردهای اندیشگانی زبان را به اجرا درمی‌آورند. دانش کارکردهای اداره‌ای نیز که شامل کارکردهای ابزاری، تنظیم‌کننده و بینافردی می‌شوند، ما را قادر می‌سازد که بر جهان اطرافمان تأثیر بگذاریم. بنابراین آنها می‌توانند برای به انجام رساندن کارها، برای کنترل رفتار دیگران و برای شکل دادن، حفظ و یا تغییر روابط بینافردی مورد استفاده قرار گیرند (باکمن و پالمر ۱۹۹۶). دو کارکرد دیگر یعنی اکتشافی و تجسم یا خیال‌پردازی تعریفی یکسان با همتای خود در مدل هلیدی دارند.

با منشعب شدن سه شاخه ابزاری، تنظیم‌کننده و بینافردی از دانش کارکرد اداره‌ای که توسط باکمن و پالمر صورت گرفته است، دانش کارکردی آنها را می‌توان در شش مقوله دسته‌بندی کرد: دانش کارکردهای اندیشگانی، دانش کارکردهای ابزاری، دانش کارکردهای تنظیم‌کننده، دانش کارکردهای بینافردی، دانش کارکردهای اکتشافی، و دانش کارکردهای تجسم یا خیال‌پردازی. باکمن و پالمر (۱۹۹۶) بر این امر تأکید می‌کنند که اینها ممکن است همپوشی داشته باشند.

- 
1. Knowledge of ideational functions
  2. Knowledge of manipulative functions
  3. Knowledge of heuristic functions
  4. Knowledge of imaginative functions

## ۲-۲- نقش کارکردها در کتاب‌های آموزش زبان فارسی موجود

در کتاب‌های آموزش زبان فارسی به ندرت به کارکردها و شکل‌های آن توجه شده است (رجوع کنید به لمتون (۱۹۸۴)؛ لمتون (۱۹۷۹)؛ میس (۱۹۷۸)؛ بشیری (۱۹۷۲) فارسی برای مبتدی‌ان؛ بشیری (۱۹۷۵) فارسی در ۷۰ درس؛ تهرانی (۱۹۷۷) فارسی سال اول؛ ویندفور و تهرانیسا (۱۹۸۱) فارسی نوین: سطح مبتدی؛ یارمحمدی، صدیقی، جعفرپور (۱۳۶۱) فارسی پایه برای گویشوران سایر زبانها؛ مشیری (۱۹۸۸) فارسی محاوره‌ای؛ مؤید شیرازی (۱۳۷۱) فارسی امروز برای دانشجویان خارجی؛ ثمره (۱۳۷۲) آموزش زبان فارسی (آزفا)؛ اشعری (۱۳۷۳) آموزش زبان فارسی به فارسی؛ بانان صادقیان (۱۳۷۶) آموزش زبان فارسی برای غیر فارسی زبانان؛ ضرغامیان (۱۳۷۷) دوره آموزش زبان فارسی، از مبتدی تا پیشرفته؛ صفار مقدم (۱۳۷۷) فارسی عمومی ۱ «ساختارهای پایه»؛ ضرغامیان (۲۰۰۰) تند آموزش زبان فارسی؛ یارمحمدی و صدیقی (۱۳۸۴) زبان فارسی پایه برای خارجیان). یکی از رایج‌ترین این کتاب‌ها در سال‌های اخیر دوره چهار جلدی آموزش زبان فارسی تألیف ثمره (۱۳۷۲) است. در جلد یک و دو این کتاب که به مکالمه نیز پرداخته است در بخش‌هایی که مربوط به مکالمه می‌شود گاه می‌توان کارکردهایی که وجود آنها برای شروع مکالمه اجباری است به شکل بسیار مختصر یافت که البته استفاده از همین شکل‌های مختصر نیز نظام‌مند نیست.

کتاب دوره آموزش زبان فارسی، از مبتدی تا پیشرفته (ضرغامیان ۱۳۷۷) کتابی جدیدتر و شامل یک دوره سه جلدی است. هر جلد شامل ده درس است. در انتهای جلد اول، درس دهم با بخشی به نام گفتگو آغاز می‌شود که از چند کارکرد زبان در آن بهره گرفته شده است. در جلد‌های سوم و چهارم عموماً بخش‌هایی به نام گفتگو در هر درس وجود دارد که استفاده از شکل‌های مربوط به کارکردها را ادامه می‌دهد. علاوه بر این الگوهایی نیز وجود دارد که در بخش بخوانید آمده است که کم و بیش شکل‌های مربوط به بعضی از کارکردها را پوشش می‌دهد. در کتاب فارسی عمومی ۱ «ساختارهای پایه» فقط به چند شکل برمی‌خوریم که در تمرین نهم چند درس ارائه گردیده است.

کتاب‌هایی که در بالا از آنها نام برده شد عموماً بر مهارت‌های خواندن تأکید دارند اما در کتاب *تند آموز زبان فارسی* که تألیف ضرغامیان (۲۰۰۰) است، مؤلف ادعا می‌کند که به مهارت گفتاری زبان توجه داشته است. با این وجود کتاب مزبور در عمل تعدادی بسیار محدود از کارکردها و شکل‌های آنها را که برای مکالمه حیاتی است، به کار برده است و می‌توان گفت که این کتاب در ارائه کارکردها و شکل‌های مربوط به آنها از کتاب‌های قبلی هیچ پیشی نگرفته است. رفیعی در کتاب خود (۲۰۰۱)، ۱۶ موقعیت مختلف از جمله: ورود به تهران، در ایران، منزل، گردش، خرید و غیره را با استفاده از شکل‌های مختلف کارکردهای زبان فارسی بیان می‌کند.

در نهایت قابل ذکر است که در مورد شکل‌های کارکردها در زبان فارسی تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است. تنها پژوهش قابل ذکر در باب کارکردها پژوهش صافی قیه بلاغی (۱۳۷۹) است که پژوهشی تطبیقی در باب کارکردهای فارسی و انگلیسی در متون نوشتاری است.

### ۳- روش تحقیق

#### ۳-۱- آزمودنی‌ها: شیوه‌گزینش

دویست دانشجوی زن و مرد فارسی زبان دانشگاه شیراز (۱۰۷ زن و ۹۳ مرد) در رشته‌های کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی و کارشناسی ادبیات فارسی به ترتیب آزمودنی‌های گروه اول و گروه دوم این تحقیق را تشکیل دادند. روش نمونه‌گیری به صورت قضاوتی<sup>۱</sup> بود به این معنی که از میان صدها دانشجو که در این دو رشته مشغول تحصیل بودند این دویست آزمودنی که نسبت به شرکت در این پروژه اظهار علاقه کرده بودند انتخاب شدند تا نقش اطلاع‌رسان<sup>۲</sup> را انجام دهند. گروه اول با کارکردهای دو زبان و گروه دوم با اشکال متنوع کارکردهای زبان فارسی آشنا بودند. همچنین در این پژوهش از توانایی چند استاد ادبیات فارسی دانشگاه جهت ویرایش نهایی بهره گرفته شد.

---

1. Purposive or Judgmental sampling

2. Informant

### ۳-۲- مطالب و ابزار تحقیق

از آنجا که بر اساس نتیجه پژوهش صافی قیه بلاغی (۱۳۷۹)، همسانی دو زبان فارسی و انگلیسی از جنبه کارکرد بینافردی این مطلب را نشان می‌دهد که گویشوران هر دو زبان، اصول کلی و جهانی را در تعامل با یکدیگر به کار می‌گیرند، از کتاب کارکردها، تألیف ماتریک (۱۹۹۰)، برای استخراج مقولات کارکردی استفاده شد. این کتاب شامل ۷۶ واحد است. در هر واحد شکل‌های مربوط به یک حوزه اجتماعی آورده شده است. این ۷۶ عنوان و مطالب هر یک استخراج شد و بخشی از محتوای ابزار تحقیق را تشکیل داد.

ابزار این تحقیق را دو سری پرسشنامه مجزا به تعداد ۱۵۲ عدد تشکیل می‌داد. هدف از ۷۶ پرسشنامه مرحله اول تولید کارکردها و هدف از ۷۶ پرسشنامه مرحله دوم ویرایش کارکردها بود. محتوای مطالب هر پرسشنامه که برای هر آزمودنی منحصر بفرد بود در دو بخش آمده بود: بخش اول: شکلهای انگلیسی یک کارکرد.

بخش دوم: مکالمه‌هایی، به عنوان نمونه، که بعضی از این شکل‌ها در آنها به کار رفته بودند. دستور کار مشترک پیوست شده به این پرسشنامه‌ها از آزمودنی‌ها می‌خواست در مرحله اول بخش اول را مطابق مکالمات روزمره فارسی (و نه ترجمه کلمه به کلمه انگلیسی) ترجمه یا معادل‌یابی کنند و در پاسخنامه بنویسند. در این دستور کار گفته شد که ترجمه بخش دوم لازم نیست و تنها برای مراجعه است تا آزمودنی را در یافتن معادل‌های بهتری برای بخش اول یاری کند. سپس از آزمودنی‌ها خواسته شد در پاسخنامه‌اشان بخشی را با عنوان "شکل‌های دیگر" نامگذاری کنند و در آن شکل‌های دیگری را که می‌توان در زبان فارسی برای کارکردی مشابه با بخش اول استفاده کرد، قید کنند. برای این کار آزمودنی‌ها می‌توانستند از اطلاعات خود یا دیگر فارسی‌زبانان استفاده کنند.

بعد از اعمال فرایند پالایش توسط محققین بر پاسخ‌های این مرحله، پاسخ‌های پالایش شده با دستور کار جدیدی به شکل یک پرسشنامه جدید به آزمودنی‌های گروه دوم ارائه شد. درست



همچون مرحله پیش، هر یک از آزمودنی‌ها کار بر روی یک حوزه را بر عهده داشتند. دستور کار جدید از آزمودنی‌ها می‌خواست:

- شکل‌های دیگری را که می‌توان در زبان فارسی برای کارکرد مورد نظر استفاده کرد با نظر خود و یا با استفاده از نظر دیگران بنویسند؛
- اگر واژه یا عبارت بهتری در فارسی برای ترجمه‌ها می‌دانند به عنوان پیشنهاد بنویسند؛
- پربسامدترین شکلها را با علامت ( $\Delta$ ) مشخص کنند؛
- اگر اشتباهی در نوشتن کلمات و نشانه‌گذاری‌ها می‌بینند زیر آن خط بکشند. اگر پیشنهاد بهتری برای جمله‌هایی که در اختیار آنها گذاشته‌ایم دارند، روبروی آن جمله بنویسند. و اگر جمله‌ای مشکل ساختاری دارد آن را بازنویسی کنند؛
- در ابتدای جمله‌هایی که به نظرشان ساختارشان فارسی نیست علامت (E) بگذارند؛
- در ابتدای جمله‌هایی که بد زبانی<sup>۱</sup> محسوب می‌شوند علامت ستاره (\*) بگذارند.

### ۳-۳- تجزیه و تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو بخش صورت گرفت. بخش اول صورتی کیفی و در بخش دوم شکلی کیفی و کمی داشت. در بخش اول، تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی به شکل پالایش اشکال بود که به ترتیب زیر صورت گرفت:

- حذف شکل‌های نادرست با توجه به هماهنگی شکل با کارکرد مورد نظر. مثلاً برای کارکرد درخواست منتظر ماندن شکل چشم به راه‌تون هستیم قید شده بود که در این مرحله حذف می‌شد.

- ارائه شکل‌های که از جنبه ساختاری یکسان بودند در قالب یک شکل. این شکل‌ها اغلب در یک واژه متفاوت بودند. این دو واژه در شکل پیشنهادی ارائه شده‌اند: **مشکلی داری؟** و **مسئله‌ای داری؟** پیش از این مرحله در دو شکل جداگانه ارائه شده بودند که به ترتیب زیر ارائه شدند: **مشکلی / مسئله‌ای داری؟**

- حذف شکل‌هایی که از انگلیسی ترجمه شده بود و فارسی‌زبانان آنها را در زبان فارسی به-کار نمی‌برند. برای مثال اصطلاح **همدردی تو را نمی‌خواهم** که از انگلیسی ترجمه شده است و کاربرد آن در زبان فارسی عجیب به نظر می‌آید در این مرحله حذف شد.
- تصحیح ساختاری بعضی شکل‌ها با توجه به زبان گفتار و بازنویسی آنها به بهترین شکل ممکن تا آنجا که به زبان گفتگو نزدیک شود. مثلاً: **می‌شه لطفاً حرفم را قطع نکنید؟** به شکل **می‌شه لطفاً حرفمو قطع نکنین؟** بازنویسی شد.
- متمایز کردن شکل‌های پربسامدتر و جای دادن آنها در قسمت‌های بالاتر (که البته یک امر قطعی نیست).
- نشانه گذاری عبارت‌ها و جمله‌هایی که بدزبانی<sup>۱</sup> هستند با نشانه ی ستاره (\*). در اینجا منظور از بدزبانی به کار بردن عبارت یا جمله‌هایی است که ممکن است استفاده از آنها سبب رنجش مخاطب شده و یا بی‌احترامی و توهین به وی تلقی شود. مثلاً **از جات تکون بخور!** با گذاردن علامت \* قبل از آن به شکل **\*از جات تکون بخور!** بازنویسی شده است.
- نوشتن شکل نوشتاری هر کدام از شکل‌ها در مقابل آنها. البته درج این شکل‌های نوشتاری به این معنی نیست که در نوشتار و یا گفتار رسمی به همین صورت به کار برده می‌شوند بلکه فقط برای مراجعه ارائه شده است. مثلاً: مقابل جمله **می‌خواهی درو برات باز کنم؟** نوشته شده **می‌خواهی در را برایت باز کنم؟**
- حفظ ساختارهای اصلی مربوط به هر کارکرد در تمام شکل‌ها و آوردن مثال برای دسته‌ای از شکل‌ها که بخش زیادی از آنها متغیر است به عنوان مثال:
  - **اشکالی نداره اگه ... ؟**
  - **مثال: اشکالی نداره اگه چند دقیقه وقتتون رو به من بدید؟**
  - پیرایش شکل‌ها به وسیله یک بومی زبان با لهجه معیار برای زدودن شکل‌های متأثر از گویش آزمودنی‌ها و پژوهشگر. برای مثال جایگزین کردن **صب کن** به جای **صب بده** و یا **خسته بود** به جای **خسته ش بود**.

این یافته‌ها در نهایت برای بازخوانی و کنترل مطالب آن به شکل متون خالص در اختیار چند بومی‌زبان منتخب که دارای حساسیت و شایستگی‌های زبانی بودند قرار گرفت و با تجدید نظر بر اساس موارد بالا به شکل نهائی خود رسید.

در مرحله دوم تجزیه و تحلیل داده‌ها، کارکردها بر اساس یک مدل گزینشی از مدل هلیدی (۱۹۷۳)، باکمن و پالم (۱۹۹۶) و وان‌اک (۱۹۷۶) مقوله‌بندی شدند. لازم به یادآوری است که شکل‌های استخراج شده مربوط به کارکردها در تحقیق حاضر، همگی در بافت اجتماعی رخ می‌دهند و الگوهایی که در بالا به آنها اشاره شد در دسته‌بندی کارکردها قادر به توجیه تفاوت‌های آشکار برخی از کارکردهای این پژوهش نبودند. اگرچه عکس این قضیه در باره‌ی کارکردهای ابزاری و تنظیم کننده صادق بود. یعنی در بسیاری جاها برای برآوردن نیاز گوینده (تعریف کارکرد ابزاری)، عمل یا رفتار مخاطب تنظیم می‌شد. بنابراین ادغام این دو در یک مجموعه به نام کارکرد ترغیبی هدف ما را تأمین می‌کرد.

در راستای تأمین چارچوبی که بتواند کارکردها را با توجه به تفاوتشان به روشنی مشخص کند پس از حفظ مقوله بینافردی و ترغیبی و جدا کردن کارکردهایی که در این دو مقوله جای می‌گرفتند، به شیوه استقرایی متوسل شدیم تا کارکردهای باقیمانده که ظاهراً همگی به رد و بدل کردن اطلاعات می‌پرداختند از یکدیگر تفکیک شوند. روند کار به این شکل بود که هدف عمومی که هر کارکرد دنبال می‌کرد مشخص گردید و کارکردهایی که هدف عمومی متفاوتی را دنبال می‌کردند از یکدیگر جدا شدند. مثلاً نوع اطلاعاتی که در این کارکردها رد و بدل می‌شد متفاوت بود و آنها را از هم جدا می‌کرد. این شیوه گام به گام دنبال شد تا سرانجام کارکردهای هم‌هدف در کنار یکدیگر قرار گرفتند. سپس به تعریف مشخصات و در نهایت تعریف ویژگی مشترک آنها پرداخته شد. در نهایت چهارچوبی با پنج مقوله به وجود آمد که در زیر می‌آید:

- کارکردهای ترغیبی که به وسیله آنها دیگران را وادار یا مایل به انجام کار، یا تغییر رفتار می‌کنیم؛ مثل درخواست کمک، توصیه به راستگویی، درخواست سکوت؛

- کارکردهای بینافردی که وظیفه بنیاد نهادن و حفظ و تغییر روابط اجتماعی را بر عهده دارند؛ مثل: سلام و احوالپرسی و خداحافظی، تعارف، و تبریک؛
  - کارکردهای انتقال و جستجوی اطلاعات واقعی؛ مثل تعریف کردن و شرح دادن؛
  - کارکردهای بیان نگرش‌ها و عقاید و تصمیم‌ها و یا پرسش در مورد آنها؛ مثل حمایت، مخالفت و اعتراض؛
  - کارکردهای بیان احساسات و یا پرسش در مورد آنها؛ مثل بیان بی‌صبری و دلخوری؛
- براساس این الگو، کارکردها طبقه‌بندی شدند و سپس سهم هر مقوله در کل این کارکردها مشخص شد. بی‌شک کارکردهایی وجود دارند که ممکن است همپوشی داشته باشند، مثلاً؛ شکل‌های مربوط به آرامش بخشیدن با اینکه کارکردی بینافردی دارند، در تنظیم کردن رفتار مخاطب نیز نقش دارند. در این موارد چون شکل‌ها، مقصود هر دو کارکرد را تأمین می‌کنند در هر دو منظور شده‌اند.

#### ۴- یافته‌های تحقیق

در جدول زیر تعداد شکل‌هایی که در هر حوزه جمع‌آوری شده، مشخص گردیده است. تعداد این شکل‌ها می‌تواند فراوانی تنوع شکل‌ها در هر حوزه را نشان دهد. این جدول به ترتیب فراوانی تعداد شکلها در هر حوزه مرتب شده است. همان‌طور که دیده می‌شود در حوزه‌های اجتماعی تقاضا و پیشنهاد، همدردی، سلام و احوالپرسی و خداحافظی، رضایت/ نارضایتی/شکایت، تعریف و تعارف (اظهار ادب) شکل‌های زیادی گردآوری شد و کمترین شکل‌ها مربوط به حوزه ضرورت منطقی، شرط و وصف کردن صلاحیت چیزی یا کسی بودند.

جدول ۱. تعداد اشکال گردآوری شده در هر حوزه

تعداد اشکال	حوزه اجتماعی	تعداد اشکال	حوزه اجتماعی
۲۸	درخواست سکوت	۱۰۲	تقاضا و پیشنهاد
۲۶	خوش آمدگویی	۸۱	همدردی
۲۶	قول	۸۰	سلام و احوالپرسی و خداحافظی
۲۶	نیاز/ اجبار	۷۱	رضایت/ نارضایتی/ شکایت
۲۶	موقعیت‌های فرضی	۷۰	تعریف و تعارف (اظهار ادب)
۲۵	پرسش از سلامتی و وضعیت جسمی دیگران	۶۷	رنجش/ خشم، عصبانیت
۲۵	ابراز هیجان/ علاقه	۶۷	اهداف/ دلایل/ برنامه‌ها، نقشه‌ها
۲۵	ابراز واکنش منفی شدید	۶۴	توجیه کردن
۲۵	کمک/ همکاری	۵۳	دلگرم/ دلسرد کردن
۲۵	نصیحت/ پیشنهاد	۴۹	اهمیت دادن / توجه کردن/ بی توجهی
۲۴	ابراز بی‌اطلاعی/ کم-اطلاعی	۴۷	اجازه
۲۳	آرزوی خوشبختی و موفقیت	۴۴	اعتقاد/ اعتماد/ بی‌اعتقادی، بی‌اعتمادی
۲۳	ابراز بی‌تفاوتی/ کناره-گیری کردن	۴۳	نقل قول صحبت‌های دیگران
۲۳	توانایی	۴۲	عذرخواهی/ بخشش
۲۳	منع، بازداری، تحریم	۴۱	تحسین/ تمجید
۲۲	نفرت/ انزجار	۴۰	تنظیم کردن گفته‌های مردم
۲۱	درخواست به تعویق انداختن	۴۰	توصیه به جدی بودن/ راستگویی
۲۰	دعوت از دیگران برای	۳۹	تشکر و قدردانی

تعداد اشکال	حوزه اجتماعی	تعداد اشکال	حوزه اجتماعی
	ملحق شدن در فعالیتی		
۲۰	تأسف / پشیمانی	۳۹	درخواست گوینده برای قطع نکردن حرفش/مزامح شدن
۱۹	معارفه	۳۹	توافق نظر
۱۹	ابراز عدم تمایل برای ادامه کاری	۳۹	حمایت/ مخالفت / اعتراض
۱۹	توضیح دادن با مثال	۳۹	کوشش/ اقدام
۱۹	تمایل، ترجیح، بی میلی	۳۸	یقین / تردید/ قید و شرط
۱۸	آرامش بخشیدن	۳۷	درخواست شتاب کردن/توصیه به شتاب نکردن
۱۸	تعریف کردن/شرح دادن	۳۷	تصمیم/ انتخاب
۱۸	خواست‌ها/ امیدها/ آرزوها	۳۵	علاقه/ خوشی‌ها/ بی‌علاقگی
۱۷	لطف	۳۵	اظهار نظر/ عقیده، نظر کارشناسی
۱۷	مشخص کردن/ تعمیم دادن	۳۵	امکان/ احتمال
۱۵	تعارف برای حق تقدم	۳۴	پرسش درباره افکار و احساسات دیگر
۱۵	اعلان کردن	۳۴	درخواست شروع/ توقف انجام کاری
۱۴	تبریک	۳۳	تسلیت
۱۴	نکوهش/سرزنش کردن	۳۳	غافلگیر کردن/ حیرت، تعجب
۱۱	پرسش در مورد فعالیت دیگران	۳۱	درخواست منتظر ماندن/ نماندن
۱۰	دستور دادن	۳۱	هشدار دادن، تذکر دادن، گوشزد کردن، تهدید کردن
۱۰	ترغیب کردن	۲۹	معطوف کردن توجه دیگران

تعداد اشکال	حوزه اجتماعی	تعداد اشکال	حوزه اجتماعی
۸	صلاحیت چیزی/کسی را وصف کردن	۲۹	پرسیدن در مورد مشکل دیگران
۸	شرط	۲۹	درخواست فکر کردن و تصمیم گیری در مورد چیزی
۵	ضرورت منطقی	۲۹	بی صبری/دلخوری

در جدولی که در زیر ارائه می شود نوع هر کارکرد مشخص شده و تعداد شکل ها نیز قید شده است. کارکردهایی که تعداد آنها در زیر چند مقوله تکرار شده است، کارکردهایی هستند که ممکن است با همین شکل ها در بیش از یک نقش ظاهر شوند. در واقع در این جدول، اعداد نقش علامت را بازی می کنند و تعداد شکل های جمع آوری شده برای هر کارکرد برابر با اولین عددی است که در ردیف همان کارکرد نوشته شده است. بنابراین جمع کل اعداد قید شده در جدول تعداد شکل های گردآوری شده را نشان نمی دهد.

جدول ۲- عنوان کارکردها و نوع آنها از لحاظ حوزه اجتماعی

بیان احساسات و یا پرسش در مورد آنها	بیان نگرش‌ها، عقاید و تصمیم‌ها و یا پرسش در مورد آنها	انتقال و جستجوی اطلاعات واقعی	بینا فردی	ترغیبی	کارکرد	بیان احساسات و یا پرسش در مورد آنها	بیان نگرش‌ها، عقاید و تصمیم‌ها و یا پرسش در مورد آنها	انتقال و جستجوی اطلاعات واقعی	بینا فردی	ترغیبی	کارکرد
	۱۴				۴۲-۱- پرسیدن از حمایت، مخالفت و اعتراض				۱۳		۱-۱- سلام و احوالپرسی
	۸				۴۲-۲- ابراز حمایت				۲۲		۲-۱- احوالپرسی
	۱۷				۴۲-۱- ابراز مخالفت و اعتراض				۱۷		۳-۱- جواب سلام و احوالپرسی
		۱۵			۴۳- اعلان کردن				۱۶		۴-۱- خداحافظی
				۱۰	۴۴- دستور دادن				۱۲		۵-۱- جواب خداحافظی
				۱۰	۴۵- ترغیب کردن				۲۶		۲-۲- خوش-آمدگویی
	۱۴				۴۶- نکوهش/سرزنش کردن				۶		۱-۳- معرفی کردن خود به دیگران
				۳۹	۴۷- هشدار دادن، تذکر دادن، گوشزد کردن، تهدید کردن				۳		۴-۳- جواب به آن
		۱۲			۴۸-۱- مثال زدن				۱۴		۱-۴- معطوف کردن توجه دیگران



		۷		۴۸-۲- درخواست مثال		۱۵		۴-۲- جواب به آن
		۹		۴۹-۱- درخواست تعریف / شرح			۱۶	۵-۱- درخواست از دیگران برای تکرار گفته‌هایشان
		۹		۴۹-۲- تعریف / شرح		۷		۵-۲- جواب به آن
		۱۴		۵۰-۱- پرسش از آنچه کسی گفته			۷	۵-۳- درخواست شمرده‌تر حرف زدن
		۱۰		۵۰-۲- گزارش غیرمستقیم			۱۰	۵-۴- درخواست بلندتر حرف زدن
		۸		۵۰-۳- گزارش مستقیم / نقل قول			۲۶	۶-۱- تشکر
		۱۱		۵۰-۴- گزارش‌های عمومی			۱۳	۶-۲- جواب به آن
		۵		۵۱-۱- درخواست مشخص کردن			۱۸	۷-۱- تقاضای انجام کاری
		۴		۵۱-۲- مشخص کردن			۱۸	۷-۲- جواب به آن
		۸		۵۱-۳- تعمیم دادن			۲۰	۷-۳- پیشنهاد انجام دادن کاری برای دیگران
		۸		۵۲- صلاحیت چیزی / کسی را وصف کردن			۱۶	۷-۴- جواب به آن
۲۸				۵۳-۱- ابراز غافلگیری			۱۳	۷-۵- تعارف کردن چیزی به کسی
۱۵				۵۳-۲- پرسش از غافلگیری و متعجب شدن			۸	۷-۶- پذیرفتن تعارف
	۱۱			۵۴-۱- پرسش از			۹	۷-۷- رد کردن

											تعارف
--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	--	-------

۸				۲-۵۴- ابراز تمایل / ترجیح / بی میلی			۱۰	۱۰	۱-۸- درخواست چشم پوشی
۸		۸		۱-۵۵- پرسش در مورد علاقه مندی ها			۱۶		۲-۸- جواب به آن (چشم- پوشی کردن)
۶				۲-۵۵- بیان علاقه مندی ها			۱۱		۳-۸- توجیه و توضیح خواستن از کسی
۴				۳-۵۵- پرسش در مورد لذت- ها و خوشی ها			۱۳		۴-۸- جواب به آن
۳				۴-۵۵- بیان لذت ها و خوشی- ها			۷		۵-۸- پذیرفتن توجیه و توضیح
۶				۵-۵۵- پرسش از بی علاقه گی و بی حوصلگی			۱۷		۶-۸- نپذیرفتن توجیه و توضیح
۷				۶-۵۵- بیان بی علاقه گی / بی- حوصلگی			۱۴		۱-۹- معذرت خواهی
۳		۳		۷-۵۵- توصیه به علاقه مندی			۱۲		۲-۹- بخشیدن
		۶		۸-۵۵- آرزوی اوقات خوش داشتن برای دیگران			۱۶		۳-۹- نپذیرفتن پوزش
۹				۱-۵۶- پرسش از رضایتمندی			۱۳		۱-۱۰- آرزوی خوشبختی و موفقیت
۱۰				۲-۵۶- بیان رضایتمندی			۱۰		۲-۱۰- جواب آن
۱۲				۳-۵۶- پرسش از نارضایتی دیگران			۱۱		۱۱- پرسش در مورد فعالیت دیگران
۱۴				۴-۵۶- بیان نارضایتی			۱۷		۱-۱۲- در مورد اشخاص
۲		۲۶		۵-۵۶- پاسخ به نارضایتی /			۱۲		۲-۱۲- در مورد وسائل

۶				شکایت						
۶				۱-۵۷- پرسش از خواست‌ها/ امیدها/ آرزوها	۳۴					۱۳- پرسش دربارهٔ احساسات دیگران
۱				۲-۵۷- بیان خواست‌ها/ امیدها/ آرزوها			۲۵			۱۴- پرسش از سلامتی و وضعیت جسمی دیگران
۱		۱۲		۱-۵۸- ابراز توجه					۲۸	۱۵- درخواست سکوت
۲										
		۱۰	۱۰	۲-۵۸- درخواست توجه					۲۴	۱-۱۶- درخواست منتظر ماندن
			۱۴	۳-۵۸- درخواست اهمیت ندادن و دخالت نکردن					۷	۲-۱۶- درخواست منتظر نماندن
۱	۱			۴-۵۸- بیان بی‌توجهی					۲۱	۱۷- درخواست به تعویق انداختن
۳	۳									
۷	۷			۱-۵۹- پرسش از تأسف و پشیمانی					۲۹	۱۸- درخواست فکر کردن و تصمیم‌گیری در مورد چیزی
۱	۱			۲-۵۹- بیان تأسف و پشیمانی					۲۰	۱۹- دعوت از دیگران برای ملحق شدن در فعالیتی
۳	۳									
۱				۱-۶۰- بیان بی‌صبری، دلخوری					۲۸	۱-۲۰- درخواست شتاب کردن
۵										
		۱۴	۱۴	۲-۶۰- توصیه به صبر					۹	۲-۲۰- توصیه به شتاب نکردن
۱				۱-۶۱- پرسش از رنجش و خشم				۱۸	۱۸	۲۱- آرامش بخشیدن
۹										
۱				۲-۶۱- بیان رنجش و خشم				۱۵		۲۲- تعارف برای حق تقدم
۴										
			۳۴	۳-۶۱- توصیه به عصبانی نبودن					۲۱	۱-۲۳- درخواست گوینده برای قطع نکردن حرفش
۱				۱-۶۲- بیان انزجار					۱۸	۲-۲۳- درخواست مزاحم

۶									نشدن
۶				۲-۶۲- پرسش از انزجار				۲۰	۱-۲۴- توصیه به جدی بودن
۹				۱-۶۳- پرسش از اعتقاد و اعتماد				۲۰	۲-۲۴- توصیه به راستگویی
۷				۲-۶۳- بیان اعتقاد و اعتماد				۲۰	۱-۲۵- درخواست شروع کردن
۵				۳-۶۳- درخواست اعتقاد و اعتماد				۱۴	۲-۲۵- درخواست متوقف کردن
۲	۳			۴-۶۳- بیان بی اعتقادی و بی-اعتمادی	۱۹				۲-۲۶- ابراز عدم تمایل برای ادامه کاری

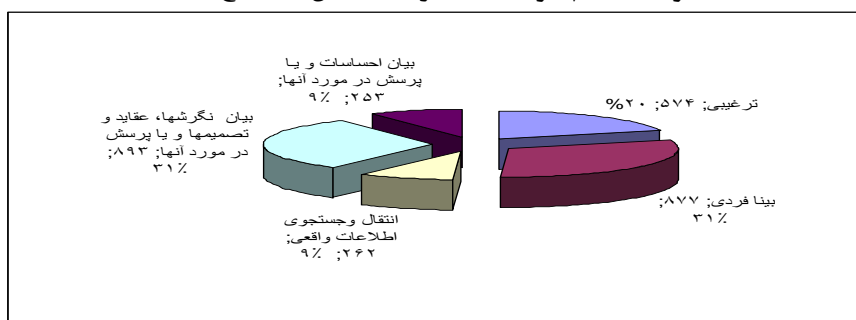
۱۵				۱-۶۴- پرسش از یقین / تردید	۲۵				۲۷- ابراز هیجان / علاقه
۲۳				۲-۶۴- بیان یقین / تردید		۲۳			۲۸- ابراز بی تفاوتی / کناره-گیری کردن
۱۰				۱-۶۵- پرسش از نظر / عقیده		۲۵			۲۹- ابراز واکنش منفی شدید
۷				۲-۶۵- بیان نظر، عقیده			۲۴		۳۰- ابراز بی اطلاعی / کم-اطلاعی
		۱۸		۳-۶۵- واکنش به اظهار نظر، عقیده				۱۳	۱-۳۱- درخواست کمک / همکاری
۱۲				۱-۶۶- درخواست نصیحت / پیشنهاد			۱۲		۲-۳۱- پیشنهاد کمک / همکاری
۱۳			۱۳	۲-۶۶- بیان نصیحت / پیشنهاد				۱۰	۱-۳۲- پرسش گوینده در مورد تمایل به انجام دادن کاری به وسیله او برای مخاطب
۱۶				۱-۶۷- پرسش درباره اهداف، دلایل و نقشه‌ها				۷	۲-۳۲- پیشنهاد انجام محبتی در حق دیگران
۱۹				۲-۶۷- بیان اهداف، دلایل،	۱۲				۱-۳۳- اجازه گرفتن

				نقشه‌ها				
		۳۲		۳-۶۷- پنهان کردن اهداف / دلایل / برنامه‌ها	۱۸			۲-۳۳- اجازه دادن
۲۳				۱-۶۸- پرسش در مورد تصمیم و انتخاب	۱۷			۳-۳۳- اجازه ندادن
۱۴				۲-۶۸- بیان تصمیم و انتخاب			۱۰	۱-۳۴- قول گرفتن
۹	۹			۱-۶۹- پرسش در مورد توانایی			۱۶	۲-۳۴- قول دادن
۱۴	۱۴			۲-۶۹- اظهار توانایی			۱۴	۳-۳۵- تبریک
۸	۸			۱-۷۰- پرسش از کوشش / اقدام			۱۶	۱-۳۶- تعریف و تعارف
۱۱	۱۱			۲-۷۰- اظهار کوشش و اقدام			۳۸	۲-۳۶- پذیرفتن تعریف و تعارف
		۲۰		۳-۷۰- ترغیب به تلاش و اقدام			۱۶	۳-۳۶- رد کردن تعریف و تعارف
۱۱				۱-۷۱- پرسش در مورد امکان و احتمال	۳۰			۱-۳۷- تحسین و تمجید
۸				۲-۷۱- بیان امکان / احتمال	۱۱			۲-۳۷- درخواست تحسین و تمجید
۱۶				۳-۷۱- بیان عدم امکان / احتمال	۱۶		۱۶	۱-۳۸- دلگرم کردن
۸				۱-۷۲- پرسش از نیاز و اجبار	۳۷		۳۷	۲-۳۸- دلسرد کردن
۸				۲-۷۲- ابراز نیاز و اجبار	۳۹	۳۹	۳۹	۱-۳۹- ابراز همدردی
۱۰				۳-۷۲- تکذیب نیاز			۱۹	۱-۲-۳۹- پذیرش همدردی
۵				۷۳- ضرورت منطقی			۱۱	۲-۲-۳۹- رد کردن همدردی
		۱۲		۱-۷۴- منع کردن	۱۲	۱۲	۱۲	۳-۳۹- ابراز عدم همدردی
۱۱	۱۱			۲-۷۴- پرسش درباره منع و بازداری			۲۱	۱-۴۰- تسلیت گفتن

۱۳		۱-۷۵- موقعیت‌های فرضی آینده		۱۲		۲-۴۰- جواب تسلیم
۵		۲-۷۵- موقعیت‌های فرضی حال	۶			۱-۴۱- پرسش از توافق نظر
۸		۳-۷۵- موقعیت‌های فرضی گذشته	۱۸			۲-۴۱- موافقت
۸		۷۶- شرط	۱۵			۳-۴۱- عدم توافق / مخالفت

در نمودار زیر نسبت نوع کارکردها به یکدیگر نشان داده شده است. کارکردهای بینافردی و بیان نگرش‌ها نزدیک به دو سوم کارکردها را تشکیل می‌دهند.

نمودار ۱- سهم مقوله‌های کارکردی در شکل‌های جمع‌آوری شده



### ۳-۴- همپوشی کارکردها

در جدول زیر تعداد کارکردهایی که در دو مقوله مشترک کاربرد داشتند نشان داده می‌شود. همان‌طور که مشاهده می‌شود تعداد آنها ۲۶ عدد است که عدد کوچکی را تشکیل می‌دهد.

جدول ۳- همپوشی مقوله‌های کارکردی

کارکرد	ترغیبی	بینافردی	اطلاعات واقعی	انتقال وجستجوی	مورد آنها	تصمیم‌ها یا عقاید و	بیان نگرش، عقاید و	پرسش در مورد آنها	بیان احساسات یا
ترغیبی	■	■	■	■	■	■	■	■	■
بینافردی	۵	■	■	■	■	■	■	■	■
انتقال وجستجوی اطلاعات واقعی	۰	۰	■	■	■	■	■	■	■
بیان نگرش، عقاید و تصمیم‌ها یا پرسش در مورد آنها	۱	۷	۵	■	■	■	■	■	■
بیان احساسات یا پرسش در مورد آنها	۰	۳	۰	۵	■	■	■	■	■

### ۵- نتیجه‌گیری

فهرست کارکردها و شکل‌های مربوط به آنها در تعداد زیادی از حوزه‌های اجتماعی زبان فارسی با تأکید بر جنبه‌های کاربردی زبان که برای اولین بار ارائه می‌شود می‌تواند به‌عنوان اولین گام در جهت گسترش روزافزون آموزش زبان فارسی روزمره محسوب شود. همچنین شکل‌های یافته شده در این مطالعه به‌تنهایی می‌تواند در اختیار زبان‌آموزان قرار گیرد. این شکل‌ها نیز می‌تواند در اختیار بومی‌زبانان قرار گیرد تا با استفاده از شکل‌های زیادی که در زبان فارسی برای کارکردها موجود است زبان خود را در تعاملات بین‌فردی غنی‌تر سازند. سرانجام با توجه به همپوشی نه‌چندان چشم‌گیر مقوله‌های کارکردی، الگوی ارائه شده در این تحقیق می‌تواند الگوی مناسبی برای مقوله‌بندی کارکردهای اجتماعی باشد. (برای دیدن کارکردها و شکل‌های مربوطه، به شهسواری (۱۳۸۴) مراجعه کنید.)

## منابع و مأخذ

- اشعری، م. (۱۳۷۳) آموزش زبان فارسی به فارسی، تهران: نشر منیر.
- بانان صادقیان، ج. (۱۳۷۶) آموزش زبان فارسی برای غیر فارسی زبانان، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ثمره، ی. (۱۳۷۲) آموزش فارسی (آزفا) پنج جلد، تهران، انتشارات بین المللی الهدی
- شهسواری، آ. (۱۳۸۴) کارکردها در زبان فارسی: ارائه‌ی مرجعی برای به‌کارگیری کارکردها در تدوین مواد آموزشی برای فراگیران زبان فارسی، پایان نامه کارشناسی ارشد. شیراز: دانشگاه شیراز، ایران.
- صفارمقدم، ا. (۱۳۷۷) فارسی عمومی ۱: ساختارهای پایه، تهران، شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.
- ضرغامیان، م. (۱۳۷۷) دوره‌ی آموزش زبان فارسی از مبتدی تا پیشرفته، سه جلد، تهران، انتشارات دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.
- صافی قیه بلاغی، م. ر. (۱۳۷۹) بررسی نقش بینافردی زبان فارسی در چهارچوب دیدگاه هلیدی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- مؤید شیرازی، ج. (۱۳۷۱) فارسی امروز برای دانشجویان خارجی، شیراز، انتشارات دانشگاه شیراز.
- یارمحمدی، ل. و صدیقی، ف. (۱۳۸۴) زبان فارسی پایه برای خارجیان، شیراز، انتشارات نوید، ایران.

- Bachman, L. F. and Palmer, A. S. (1996). *Language Testing in Practice*. New York: Oxford University Press.
- Bashiri, I. (1972). *Persian for Beginners*. Minneapolis: Bibliotheca Islamica.
- Bashiri, I. (1975). *Persian 70 units*. Minneapolis: Manor House Press.
- Brown, H. D. (2000). *Principles of Language Learning and Teaching*, 4th ed. White Plains, NY: Longman.



- Halliday, M. A. K. (1973). *Language in a Social Perspective. Exploration in the Functions of Language*. London: Edward Arnold.
- Halliday, M. A. K. (1978). *Language as Social Semiotics*. London: Edward Arnold.
- Halliday, M. A. K. (1994). *An Introduction to Functional Grammar*, 2nd ed. London: Edward Arnold.
- Lambton, A.K.S. (1979). *Persian Vocabulary*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Lambton, A.K.S. (1984). *Persian Grammar*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Lyons, J. (1977). *Language, meaning and context*. London: Longman.
- Mace, J. (1978). *Modern Persian*. New York: Hodder and Stoughton Ltd.
- Matreyek, W. (1990). *Functions*. London: Prentice-Hall.
- Moshiri, L. (1988). *Colloquial Persian*. London: Routledge Press.
- Rafiee, A. (2001). *Colloquial Persian: the Complete Course for Beginners*. Routledge: London and New York.
- Tehrani, K. (1977). *First Year Persian*. Portland: Portland State University Press.
- Van Ek, J. A. (1976). *The Threshold Level for Modern Language Learning in Schools*. Strasbourg: Council of Europe.
- Windfuhr, G., and Tehranisa, H. (1981). *Modern Persian: Elementary Level: Glossary*. Ann Arbor: University of Michigan Press.
- Zarghamian M. A. (2000). *Crash Course in Farsi: tond amuz-e zaban-e Farsi*. Tehran: The Iran Language Institute.

